

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۱۴ - ۲۹۳

جستاری در تطور تاریخی و شبهه شناسی ادبی قرآن کریم

کرامت میری^۱

سید محسن میرباقری^۲

مژگان سرشار^۳

چکیده

مسلمانان اعتقاد دارند که قرآن کلام خداست لکن منتقدان قرآن همواره درصدد ایجاد شبهاتی، علیه این کتاب آسمانی بوده اند تا نسبت به الهی بودن قرآن تردید ایجاد نمایند. با توجه به گسترش این شبهات در سده های اخیر و زمینه های پیدایش این شبهه، در این مقاله به روش توصیفی، تحلیلی ضمن تبیین شبهه ادبی و عوامل بروز و ظهور آن، سیر پیدایش و تطور چنین شبهه ای در پنج دوره از عصر نزول تا دوره متاخران مورد بررسی قرار گرفته است. مهمترین یافته های این پژوهش عبارتند از: در عصر نزول تدبیر پیامبر(ص) راه هرگونه شبهه افکنی را مسدود کرده بود، ضمن اینکه عدم تدوین قواعد زبان عربی در آن زمان طرح چنین شبهه ای را منتفی میکرد. در دوره ائمه(ع) و صحابه عواملی همچون؛ پدیده اختلاف قرائت، ضعف در خط عربی، وجود آیات متشابه و الفاظ مشکله، زمینه ساز بروز مناقشات ادبی در این عصر گردید، که با پاسخ صحابه و تدبیر ائمه(ع) مواجه شد. با فاصله گرفتن از عصر نصوص بدلیل گسترش فتوحات، افزایش تازه مسلمان شده ها و دشمنی زنداقه شبهات ادبی افزایش پیدا کرده، اندیشمندان اسلامی تلاش کردند در لابه لای تالیفات خود به این شبهات پاسخ دهند. در دوره متاخران بی توجهی به قواعد ادبی و نگاه خصمانه برخی مستشرقان، شبهات ادبی در قالبی جدید توسعه یافته است.

واژگان کلیدی

شبهه، تعارض، اختلاف ادبی، ناسازگاری ادبی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: molkemaalakoot@gmail.com

۲. دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: dr.mirbagheri1401@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: sarshar2008@gmail.com

طرح مسأله

یکی از مباحث مطرح شده پیرامون قرآن در طول تاریخ، شبهه ادبی بوده است، این شبهه که در بستر پدیده اختلاف قرائت و ادعای ناهمگونی و تعارض برخی آیات با قواعد زبان عربی گسترش پیدا کرده، به قرون اولیه اسلامی برمی‌گردد، زمانیکه بین مسلمانان در قرائت قرآن اختلافاتی دیده شد و صحابه پیامبر (ص) با توحید مصحف در صدد حل این اختلاف برآمدند و یا ابهاماتی از زبان برخی منتقدان قرآن نسبت به این کتاب آسمانی جاری می‌شد و صحابه پیامبر پاسخ می‌دادند. (رک: سیوطی ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۰۸؛ سیوطی ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۹۱) پیدایش زنادقه و گسترش سرزمینهای اسلامی و نیز کاربرد برخی اسلوب و ترکیب‌های خاص قرآن که به ظاهر با برخی قواعد رایج ادبیات عرب همخوانی نداشت، بر گسترش و تقویت این شبهه در نزد شبهه افکنان افزوده است. بعنوان نمونه برخی منتقدان قرآن معتقدند در آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ» (مائده/۶۹) نوعی ناسازگاری ادبی وجود دارد زیرا با آن که واژه «الصابئون» به اسم «إِنَّ» عطف شده و باید منصوب باشد اما مرفوع آمده است. (رک: یلاشر ۱۳۷۸، ص ۱۹۰؛ نولدکه ۲۰۰۴، ج ۳، ص ۴۴۴) با عنایت به اینکه مسلمانان معتقدند که هیچگونه اختلافی در قرآن وجود ندارد و آیات سوره (نساء/۸۲) و (زمر/۲۸) بر این ادعا تاکید دارد، تحلیل و بررسی چگونگی پیدایش و سیر تطور این شبهه در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام و عوامل و انگیزه‌های زمینه ساز گسترش چنین شبهه‌ای بسیار حائز اهمیت است زیرا می‌تواند به فهم صحیحی از نادرستی چنین شبهه‌ای نسبت به این کتاب آسمانی کمک نماید.

شایان ذکر است که پژوهشهای پیشین درباره‌ی این موضوع اعم از کتاب و مقاله و پایان نامه عمدتاً در مقام بررسی آیات موهم شبهه ادبی و پاسخ‌گویی به اینگونه شبهات بوده و پژوهشگران کمتر رویکردی تاریخی و پدیده‌شناختی نسبت به موضوع داشته‌اند. اما در این مقاله کوشش بر آن است تا با مطالعه دوره‌های مختلف تاریخی از عصر نزول تا دوره متاخران در لابه‌لای متون اسلامی و تحلیل کیفیت مباحث مطرح شده در هر دوره، ضمن عرضه‌ی اطلاعاتی تاریخی درباره‌ی موضوع، سیرتطور و عوامل زمینه ساز پیدایش و توسعه این پدیده مورد تحلیل و تبیین قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

هرچند در خصوص موضوع این پژوهش مستقلاً آثاری مشاهده نشد اما در لابه لای نگاشته ها و مقالات با موضوع شبهه اختلاف در قرآن تلاشهایی صورت گرفته که به برخی از مواردی که ارتباط بیشتری با موضوع دارند اشاره می شود. علاوه بر کتابهایی همچون؛ (شبهات ردود حول القرآن الکریم) از محمد هادی معرفت ۱۳۸۵، (مستشرقان و قرآن) از محمد حسین زمانی ۱۳۸۵ و (شبهه شناسی قرآن یا توهم تعارض در آن) از مسعود صادقی ۱۳۸۶ که به شبهه اختلاف و تعارض در قرآن پرداخته اند بدون اینکه سیر تاریخی شبهه ادبی را بررسی نمایند، مقالات و پایان نامه هایی نیز در ارتباط با این موضوع وجود دارد که به برخی از آنها که ارتباط بیشتری با موضوع دارد اشاره می شود.

بمانعلی منگابادی در نشریه مقالات و بررسی ها سال ۱۳۸۴ با (سیر تاریخی و عوامل ادعای موهوم تناقض در قرآن) شبهه تعارض محتوایی در قرآن را از نظر تاریخی بررسی و به عوامل زمینه ساز آن نیز اشاراتی داشته است لکن در این مقاله به شبهه ادبی و سیر تاریخی آن پرداخته است. مرضیه دینانی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با (رویکردهای عالمان اسلامی در حل مسئله تناقض و تعارض در قرآن) دانشگاه علوم تحقیقات تهران ۱۳۸۹؛ سیر تاریخی شبهه تعارض محتوایی در قرآن و روش عالمان دینی در پاسخ به شبهات مربوطه را مورد کنکاش قرار داده است. ایشان همان سال مقاله ای با عنوان (مسأله عدم تناقض در قرآن: خاستگاه، سیر تاریخی و روشهای عالمان مسلمان در اثبات آن) در نشریه صحیفه مبین چاپ کرده و در آن مقاله نیز بارویکرد تاریخی و روش شناختی ادعای تناقض محتوایی در قرآن را مورد تحلیل و نقد قرار داد است. در ادامه عبدالحسین فقهی و علی رضا فزازی در مقاله ای با عنوان (نقد و بررسی ادعای خاورشناسان در باب ادعای وجود اشتباهات دستوری در قرآن کریم) که سال ۱۳۸۹ در مجله علمی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی به چاپ رسیده به بررسی ادعای اختلاف نحوی در قرآن پرداخته و برخی از شبهات ادبی را بصورت مصداقی پاسخ داده است. رضوان باغبانی و دیگران در فصلنامه لسان مبین سال ۹۱ در مقاله ای با موضوع (اعجاز ادبی قرآن کریم و سیر تطور آن) به اعجاز ادبی قرآن و مسائل پیرامونی آن پرداخته و تالیفاتی که در این باره نوشته شده و سهم

هریک از این تالیفات در گسترش این بحث را مورد بررسی و کنکاش قرار داده است، این مقاله گریزی مختصر نیز به شبهات ادبی پیرامون قرآن داشته است. در سال ۱۳۹۵ پایان نامه کارشناسی ارشد صدیقه فرهادیان در دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم با موضوع (نقد شبهات ناظر به برخی اشکالات ادبی در قرآن) برخی آیات موهم شبهه ادبی در قرآن را احصاء و به شبهات مربوطه پاسخ داده است. در سال ۱۳۹۶ مقاله ای با موضوع (نقد و بررسی شبهه مخالفان در باره اعراب کلماتی از قرآن) از محمد شریفی و قاسم فائز در مجله سراج منیر منتشر و در آن به ایراداتی که پیرامون اعراب کلمات و الفاظ قرآن وارد شده بصورت مختصر پاسخ داده شده است. در ادامه این مسیر سال ۹۸ دو مقاله همزمان با موضوع پاسخ به شبهات ادبی در قرآن چاپ شده است. مهدی داوری دولت آبادی، مهناز خانی و صدیقه فرهادیان مقاله ای با موضوع (تحلیل انتقادی انگاره خطاهای نحوی مرفوعات و منصوبات قرآن در کتاب نقد قرآن) در نشریه شبهه پژوهی مطالعات قرآنی چاپ و در این مقاله برخی شبهات نحوی مطرح شده در کتاب نقد قرآن به نویسندگی سها را پاسخ داده اند. همزمان مقاله ای با عنوان (نقد دلایل مستشرقان در ادعای اغلاط نحوی قرآن) توسط علی کریم پور و محمد امینی در دوفصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان منتشر و به رد دلایل مستشرقان در خصوص ادعای وجود اغلاط نحوی در قرآن پرداخته اند. با این توضیحات می توان گفت که اولاً. هیچکدام از آثار موجود در این زمینه بصورت جامع و مدون پیدایش و سیر تطور شبهه ادبی در دوره های مختلف تاریخی را در دستور کار خود قرار نداده اند، زیرا یا موضوعشان شبهه محتوایی بوده و یا تنها به بررسی و پاسخ به شبهات ادبی اکتفا کرده اند. ثانیاً. اهتمامی به بررسی عوامل و زمینه های بروز چنین شبهه ای در قرآن نداشته اند اما این پژوهش برای اولین بار سیر تاریخی و تطور شبهه ادبی را بصورت جامع در دستور کار قرار داده و تلاش نموده تا عوامل زمینه ساز بروز چنین شبهه ای را در دوره های مختلف تاریخی بررسی و احصاء نماید.

شبهه شناسی ادبی

شبهه ادبی گونه ها و ابعاد متنوعی دارد جهت اطلاع و شناخت بیشتر این شبهه با مطالعه ادعای شبهه کنندگان آیات موهم شبهه ادبی به سه دسته کلی به شرح زیر تقسیم

می‌شوند.

الف) شبهه اختلاف قرائت

مدعیان ناسازگاری ادبی در قرآن وجود اختلاف قرائت را نوعی تعارض قرائات با کلام اصلی قرآن قلمداد کرده و این پدیده را نوعی اختلاف و شبهه ادبی در قرآن می‌دانند. هرچند اندیشمندان علوم قرآنی معتقدند هیچ‌گاه اختلاف قرائت، دلیلی بر اختلاف در نص وحی شمرده نمی‌شود، اما نتیجه این اختلافات آن شد که برخی مخالفان زمزمه‌ی اختلاف و ناهماهنگی در ساختار قرآن را مطرح کنند. گلدتسیهر، از جمله کسانی است که معتقد است: قرآن به جهت تعدد قرائات، نص واحدی ندارد. وی برای اثبات ناسازگاری ادبی ناشی از اختلاف قرائت به آیه‌ی «فاقتلوا انفسکم» (بقره/۵۴) که برخی مفسران مانند قتاده آن را به صورت (فاقیلوا انفسکم) خوانده‌اند، اشاره می‌کند. (گلدتسیهر ۱۳۸۳، ص ۳۳-۲۹) دره حداد نویسنده مسیحی هم معتقد است: این قرآن در زمان پیامبر عربی بر هفت حرف قرائت می‌شد و عموم مسلمانان به آن اجماع کرده‌اند و از آن، اختلاف در الفاظ و اتفاق در معنا استنباط می‌کنند و این خود شبهه‌ای بر سلامت تنزیل قرآن و انواع تناقضات در آن است. (دره حداد ۱۹۹۳، ص ۳۰۷) نمونه‌ای از اختلاف میان مصاحف ارسالی زمان عثمان به مدینه، شام، کوفه و بصره با مصحف فعلی به شرح زیر می‌باشد:

بقره / ۱۳۲ / و اوصی بها ابراهیم ... / وَ وَصَّی بِهَا اِبْرَاهِیْمُ ...

اعراف / ۱۴۱ / و اذ أنجاکم من آل فرعون ... / وَ اِذْ اَنْجَیْنَاکُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ ... (رک:

معرفت ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۳۸-۱۳)

همین که مخاطبان قرآن مشاهده کردند که برخی الفاظ قرآن را قاریان به شکل‌های گوناگون قرائت می‌کنند و یا کتابت کلمات در مصاحف باهم اختلاف دارند، این اختلافات دستمایه منتقدین قرآن قرار گرفت تا به شبهه‌ی ادبی در آیات قرآن دامن بزنند. اما نکته مهم اینجاست که در صورتی این قرائات می‌توانند منجر به ناسازگاری ادبی در قرآن باشند که قرآینت قرائات و ملازمتشان با قرآن ثابت شود لکن بسیاری از علمای اسلام گفته‌اند: قرآن و قرائات دو حقیقت مغایر از هم هستند. (رک: زرکشی ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۶۵؛ معرفت ۱۳۸۵، ص ۲۱۵) و لذانی توان وجود قرائت‌های مختلف که ناشی از اجتهاد شخصی

قاریان است را دال بر ناسازگاری ادبی در قرآن دانست.

ب) شبهه اختلاف آیات با قواعد ادبی و بلاغی

نوع دیگری از شبهه ادبی که توسط منتقدان قرآن مطرح شده است، ناظر به شبهه اختلاف آیات قرآن کریم با قواعد ادبی زبان عربی بود. این آیات با توجه به نوع شبهه براساس تقسیم بندیهای قواعد زبان عربی به آیات دارای شبهات نحوی، صرفی و بلاغی تقسیم شده اند.

به عنوان نمونه مدعیان وجود شبهه ادبی در قرآن گفته اند، در برخی آیات مشاهده می شود که برای اسم مذکر، صفت یا موصول یا ضمیر مونث آمده و بالعکس این قاعده برای کسانی که مسلط بر ادبیات عرب و قوانین نحو نباشند خلاف ادبیات عرب بوده و نوعی شبهه ادبی در قرآن محسوب می شود، اما برای افراد آگاه این شبهه قابل حل است. همانند: آیه «وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تَكْتُمُونَ» (سجده/۲۰) که ضمیر در (به) و نیز کلمه (الَّتِي) برخلاف مرجعشان مذکر آمده اند. بر اساس قواعد ادبیات عرب، اگر مضاف قابل حذف باشد، مضاف الیه (ثان) می تواند تأیید خود را به مضاف بدهد (رک: معرفت ۱۳۸۵، ص ۳۳۱)

همچنین برخی منتقدان ادعا کرده اند در قرآن غلطهای نحوی وجود دارد و برای اثبات سخن خود به روایتی ضعیف از عائشه استناد کرده و آیاتی از قرآن را دارای اشتباه ادبی ذکر کرده اند: از جمله آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ» که مدعی هستند «الصَّابِئُونَ» که عطف به اسم (إِنَّ) است باید به صورت منصوب ذکر شود، ولی مرفوع آمده است. (نولدکه ۲۰۰۴، ج ۳، ص ۴۴۴) بلاشر نیز یکی دیگر از منتقدان قرآن پژوهی است که به آیاتی اشاره می کند که مدعیست ناسازگاری ادبی دارند، به طور مثال اشاره می کند: کاربرد (ما) موصول بجای (من) در آیات «وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا وَالْأَرْضِ وَمَا طَوَّاهَا...» (شمس ۷-۵) یک اشکال ادبی است؛ و آیات قرآن را بدینوسیله مورد خدشه قرار داده است. (بلاشر ۱۳۷۸، ۱۳۹۱) علاوه بر مواردیکه ذکر شد مستشرقانی چون، یوسف دره حداد در نظم القرآن و الکتاب، آرتور جفری در کتاب واژه‌های دخیل در قرآن، جرج سال در مقاله فی الاسلام، سها در کتاب نقد قرآن موارد متعددی در خصوص اختلاف و

شبهه ادبی در قرآن مطرح کرده‌اند.

ج) شبهه گزینش و چینش واژگان آیات

مدعیان شبهه ادبی در آیات قرآن گاهی نسبت به گزینش و چینش واژه یا ترکیب‌های قرآنی در آیات اشکال کرده‌اند و مدعی شده‌اند که این ابهامات جایگاه الهی بودن قرآن را تنزل می‌دهد بعلاوه اینکه گاهی نیز برای اثبات ادعا خود، تعارض ظاهری بین دو آیه شبیه به هم از نظر ساختاری را دستمایه نقد خود قرار داده و با مقایسه اختلاف در انتخاب و چینش واژگان دو آیه شبیه به هم درصدد اثبات شبهه ادبی در قرآن برآمده‌اند. از جمله آیاتی که منتقدان مدعی هستند با وجود ساختار نزدیک بهم از نظر ترکیب و انتخاب و چینش کلمات تعارض دارند آیات زیر می‌باشند: منتقدان مدعی هستند دو واژه (مشرق و مغرب) در سه آیه زیر از نظر عدد به سه گونه متفاوت آمده اند علی‌رغم اینکه آیات ساختار شبیه به هم دارند.

«قَالَ رَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (شعرا/۲۸)

«رَبِّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبِّ الْمَغْرِبَيْنِ» (رحمن/۱۷)

«فَلَا أُفْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ» (معارج/۴۰)

اندیشمندان ادبیات عرب در پاسخ به این اختلاف ظاهری می‌گویند: منظور از مشرق و مغرب در آیه ی اول مشرق و مغرب معمولی است و در آیه ی دوم منظور بلندترین و کوتاه ترین روز سال می باشد و در آیه ی سوم منظور تمام مشارق و مغارب جهان هستی است. بنابراین این آیات با هم متناقض نیستند بلکه نشانگر بلاغت قرآن می باشند. (رک: المطعنی، ۱۴۱۳، ص ۲۳) این شبهات ادبی در دوره های مختلف تاریخی به شکل های مختلف در بستر عواملی بروز و ظهور داشته اند که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

سیر تاریخی و تطور ادعای شبهه ادبی

با کنکاش در متون اسلامی، سیر تاریخی ادعای ناسازگاری ادبی در قرآن در پنج

دوره زیر قابل بحث و بررسی است:

الف) عصر نزول و ادعای شبهه ادبی

در خصوص ناسازگاری ادبی قرآن در عصر نزول بحث‌هایی مطرح شده است، بخشی از این مباحث مرتبط با مخالفت آیات قرآن با قواعد ادبی است و بخشی دیگر مربوط به مناقشه متشابه القرآن، مشکل القرآن و اختلاف قرائت است. بحث از ناسازگاری ادبی در قرآن به معنای مخالفت الفاظ و آیات قرآن با قواعد ادبیات عرب در عصر نزول منتفی است، زیرا به گفته ادیبان عرب منبع استخراج و استشهاد قواعد عربی متن قرآن و اشعار و نوشته‌های قدیمی عربی است و این قواعد در زمان نزول قرآن تدوین نشده بود، تا آیات با آن مطابقت داده شود و مخالفت با این قواعد بروز و ظهور یابد. (رک: فراء ۱۹۸۰م، ج ۱، ص ۱۴؛ نحاس، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۶۳؛ دینوری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶؛ سیوطی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۱۳، ص ۴۲۷) از این روست که دیده می‌شود در کتب نحوی بزرگانی مثل سیویه از آیات قرآن به عنوان شاهد قواعد نحوی استفاده می‌کنند. طنطاوی می‌گوید: نتیجه اشتباهات و اختلافاتی که در قرن نخست هجری در قرائت پدید آمده بود علما را بر آن داشت تا علم نحو و قواعد آن را تدوین نمایند تا قاریان قرآن از اعراب دقیق و جایگاه کلمات آگاهی یابند و مرتکب خطا نشوند. (طنطاوی ۱۱۱۹، ص ۲۰) حاصل سخن اینکه در دوران عصر نزول که قواعد ادبی هنوز تدوین نشده و گفته می‌شود از جمله منبع قواعد نحوی خود قرآن است، بحث از مخالفت آیات قرآن با قواعد ادبی در زمان پیامبر (ص) بسیار دور از ذهن است. اما اگر منظور از ناسازگاری ادبی ضعف در ادبیات آیات و تنزل الفاظ و عبارات قرآن نسبت به متون آن زمان باشد، در این صورت اگر این کاستی و ضعف وجود داشت بلغای عرب در عصر نزول آن را گرفته و بر قرآن خرده می‌گرفتند. ولید بن مغیره از شعرای نامور عرب می‌گوید: به خدا قسم از محمد سخنی شنیدم، که به کلام انس و جن شباهت ندارد، سخن او برتری و زیبایی خاصی دارد، شاخسار آن پر میوه و ریشه‌های آن پر آب و پر برکت است، سخنی برجسته که هیچ سخنی از آن برجسته‌تر نیست و بالاتر از آن است که بتوان با آن به معارضه پرداخت. (رک: خوئی ۱۳۸۵، ص ۹۰) بنابراین نه تنها نشانه‌ای از خرده‌گیری بر ادبیات قرآن در آن دوره دیده نشده است بلکه شواهدی حاکی از شگفتی ادیبان عرب نسبت به برجستگی متن قرآن نیز وجود دارد.

(همدانی، ۱۹۶۲، ج ۱۶، ص ۳۷۸؛ زمخشری ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۲۳)

شبهه ادبی علاوه بر ادعای مخالفت آیات با قواعد ادبیات عرب گاهی نیز ناشی از عدم فهم و ابهام مخاطبان نسبت به آیات متشابه و الفاظ مشکله قرآن است. زیرا در قرآن همانند بسیاری از متون دیگر، الفاظ، مفردات و عبارات متشابه و مشکله ای وجود دارد که از نظر ریشه و ساختار گاهی برای مخاطبین ایجاد ابهام می کند. برخی قرآن پژوهان یکی از زمینه های شبهه ای ادبی در قرآن را متشابهات قرآن می دانند. (شراره ۱۴۱۶، ص ۵۵؛ زمانی ۱۳۹۸، ص ۳۷۵) در روایات نقل شده که اولین ادعای تناقض در قرآن در عهد رسول خدا (ص) ناظر به برداشت نادرست از آیات متشابه مربوط به جبر و اختیار بوده است. مردم عصر نزول در خصوص آیات متشابه دچار سوء برداشت شده و بینشان مجادله صورت می گرفت و برای حل و فصل آن به پیامبر (ص) رجوع می کردند و پیامبر پاسخ می دادند. (ابن کثیر ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۴۷؛ شراره ۱۴۱۶، ص ۴۹) از محتوای این روایات استنباط می شود: اولاً. سئوالات مطرح شده در عهد پیامبر (ص) ناظر به تناقض محتوایی بین آیات است نه شبهه ادبی. ثانیاً. وجود پیامبر که (لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ) (نحل/۴۴) بود و پاسخ تمام ابهامات را به روشنی می داد راه هر گونه شبهه افکنی را بسته بود.

پیروان واژه های مشکل نیز باید گفت همانطوریکه بسیار از علمای اسلامی معتقدند، این واژه ها در عصر نزول برای مخاطبین اصلی قرآن روشن بوده است و بر اثر دوری از عصر نزول از آن روشنی و شفافیت فاصله گرفته اند. (رک: دینوری ۱۳۹۰، ص ۲۰۳) حتی با فرض اینکه معنی آن برای برخی قبایل عرب روشن نبوده همانطوریکه معرفت بیان کرده است (رک: معرفت ۱۳۸۱، ص ۳۲۹) حضور پیامبر در آن زمان راه هر گونه ابهام آفرینی را بسته بود. نتیجه اینکه بعید نیست چنین ابهاماتی نسبت به واژه های مشکل در دوران خود پیامبر وجود داشته باشد لکن خرده ای بر قرآن نیست که مخاطبان مثل هر متن دیگری نسبت به آیات و عبارات آن ابهام و سئوالاتی داشته باشند و پیامبر (ص) واصحابش به این سئوالات پاسخ گویند. آنچه مسلم است وجود آیات مشکله و متشابه در قرآن و سؤال از آنها در زمان پیامبر (ص) نمی تواند دلیلی بر ناسازگاری ادبی در قرآن باشد.

عامل دیگری که گفته شده در این دوره زمینه ساز شبهه ادبی بوده، اختلاف قرائت

است. همانطوریکه برخی مستشرقان چون گلدتسیهر و دره حدادا اشاره کرده اند. (رک: گلدتسیهر ۱۳۸۳، ص ۳۰؛ دره حدادا، ۱۹۸۲: ۳۰۷) در خصوص اختلاف قرائت نسبت به سایر شبهات ادبی، بحث متفاوت است تعدادی از اندیشمندان اهل سنت معتقدند که ریشه‌ی اختلاف قرائت در زمان خود پیامبر (ص) است و در این راستا به حدیث (سَبْعَةُ أَحْرُفٍ) اشاره می‌کنند. (رک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۲۰-۱؛ زرقانی، ۱۳۸۵، ص ۴۹۶؛ حجتی ۱۳۶۰، ص ۲۵۷) بنا بر ادعای آنان برخی صحابه پیامبر (ص) قرآن را به گونه‌های متفاوت می‌خواندند و پیامبر (ص) این گونه‌های متفاوت را تایید می‌کردند. اما این دیدگاه بسیار متزلزل است و از ناحیه بسیاری علمای اهل سنت و همه‌ی علمای شیعه به چالش کشیده شده است، ضمن اینکه برخی معتقدند این روایت (سبعه احرف) روایتی ضعیف می‌باشد. از این رو مشروعیت اختلاف قرائت و تایید آن توسط پیامبر (ص) را مورد نقد قرار داده و زیر سؤال برده اند. (رک: زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۱۲؛ سیوطی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۷۷؛ فضلی ۱۳۸۸، ص ۱۰۹؛ معرفت ۱۳۸۱، علوم قرآنی، ص ۲۱۴) بنابراین این ادعا که قرائتهای هفت‌گانه مستند به این حدیث پیامبر و زمینه‌ساز قرآنیّت تعدد قرائتات می‌باشد، اساسی ندارد و تنها یک شهرتی بین عوام الناس دارد که قابل اعتنا نیست. با این توصیفات بحث از اختلاف قرائت در زمان رسول خدا (ص) به‌عنوان یکی از عوامل ناسازگاری ادبی در قرآن نیز مورد تردید قرار می‌گیرد.

ب) عصر صحابه و ادعای شبهه ادبی

در این دوره با گسترش سرزمین‌های اسلامی و ایجاد شکاف زبانی و پیدایش زنادقه مباحث مختلفی پدید آمد. بحث‌های کلامی پیرامون آیات قدر، سئوالات و ابهاماتی پیرامون آیات متشابه و مشکله در قرآن، همچنین پدیده اختلاف قرائت از اهم موارد بحث برانگیز بود که نیاز به مطالعه و بررسی دارد.

بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران بر این باورند که اولین مسئله‌ای که موجب ایجاد شکاف و اختلاف در پیکره امت اسلامی گردید مسئله قدر بود. این قبیل از پژوهشگران اسلامی معتقدند که چنین موضوعی اولین بار در اواخر عصر صحابه توسط معبد جهنی و غیلان دمشقی مطرح گردید. (رک: سیوطی ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۱۱۱؛ شهرستانی ۱۳۶۲، ج ۱،

ص ۴۵؛ امین ۱۹۹۳، ص ۳۳۴) علاوه بر بحث از قضاء و قدر، روایات متعددی نشان می‌دهد بحث‌ها و مناقشات پیرامون آیات متشابه و مشکله قرآن در زمان صحابه بالا گرفت. قصه صبیغ و کتک خوردنش از عمر بدلیل سؤال از آیات متشابه و نیز سؤالات برخی زنادقه از صحابه خصوصا امام علی (ع) و نیز شبهه افکنی تازه مسلمان شده‌ها از مسیحیت و یهودیت که با طرح سؤال و ایجاد شبهه بر طبل اختلاف در قرآن کویده وجود چنین مناقشاتی در این عصر را ثابت می‌کند. (رک: طبرسی ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۲۹؛ صدوق ۱۳۵۷، ص ۲۵۵؛ غزالی ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۶۷) بخش عمده‌ای از مناقشات پیرامون مباحث کلامی و اعتقادی در تالیفات و روایات نقل شده در این عصر ناظر به ادعای اختلاف محتوایی در قرآن است، لکن روایت نقل شده از مجادلات و مناقشات آن دوره نشان می‌دهد که بخشی از شبهات زنادقه نیز ناظر به شبهات ادبی بوده است. سیوطی در الاتقان نقل کرده است: مردی نزد ابن عباس آمد و در باره آیاتی که از نظر او متناقض می‌آمد، سؤال نمود و ابن عباس نیز با استفاده از آیات دیگر به آن سؤالات پاسخ داد، یکی از سؤالات مطرح شده پیرامون ناسازگاری ادبی این بود که خداوند می‌فرماید: (كَانَ اللَّهُ) در جایی که حق آن است که (کان) بصورت فعل ماضی آورده نشود. در ادامه سیوطی جواب ابن عباس را اینگونه تفسیر می‌کند که (کان) هر چند که برای ماضی است، ولی مستلزم قطع شدن مدت و منقضی شدن صفت آن نمی‌باشد، بلکه منظور آن است که پیوسته چنین بوده است. (رک: سیوطی ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۹۱) این روایت نشان می‌دهد مناقشات زنادقه منحصر در اختلاف محتوایی در قرآن نبوده بلکه شامل شبهه ادبی در این عصر نیز بوده است.

از جمله موارد دیگری که وجود مناقشه ادبی در قرآن را در این عصر ثابت می‌کند اختلاف قرائت بین قاریان قرآن بود. بدلیل وجود چنین اختلافی؛ توحید مصاحف، اصلاح رسم الخط قرآن و تجمیع قرائت انجام گرفت تا این اختلافات از بین برود و مردم بر یک وجه قرآن را قرائت نمایند. (رک: سیوطی، ۱۳۸۲: ۲۰۸/۱)

نقل شده بدلیل اختلاف شدید در قرائت، عثمان گفته است در زمان من قرآن را تکذیب می‌کنید و در آن لحن می‌نمایید؟ هر کس از من دوری گزیند تکذیبش شدیدتر و لحنش بیشتر است، ای اصحاب محمد جمع شوید و برای مردم مصحف بنویسید پس جمع

شدند و این کار را کردند. (سیوطی ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۰۷؛ رامیار ۱۳۶۹، ص ۴۱۰) روایات دیگری مثل همین روایت شکل‌گیری پدیده اختلاف قرائات را به دوران صحابه خصوصاً ابوبکر و عمر نسبت داده‌اند. (بلاشر ۱۳۷۸، ص ۴۱۰) اختلاف لهجه‌های قبائل مختلف، گسترش اسلام و ایمان آوردن اقوام غیر عرب و ضعف در خط عربی دوران نزول نیز به این مناقشات اختلافی دامن می‌زد. بدلیل ضعف در خط عربی یعنی نبود نقطه و اعراب در آن، برخی از تازه مسلمان شده‌ها نمی‌توانستند تطابق بین گفتار قرآن و نوشتار برقرار کنند این نقیصه خود اشکالاتی ایجاد نمود. همانند این موارد در آیه «رَبَّنَا بَاعِدْ» است که برخی آن را بجای «رَبَّنَا بَاعِدْ» (سبا/۱۹) قرائت کرده‌اند. و یاد آیه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» (حجرات/۶) که در قرائت کسایی (فتبتوا) آمده است. (دینوری ۱۳۹۰، ص ۱۳۶) مناقشات ادبی در این دوره به اختلاف در قرآن و ضعف در خط عربی ختم نشد، بخشی از ادعای شبهه ادبی در قرآن ناشی روایات منقول از عایشه و عثمان مبنی بر وجود اشتباه و لحن در مصحف بوده است. در مجمع البیان به نقل از منابع اهل سنت از عایشه زیر آیه: «لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ... وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» (نساء/۱۶۲) آمده است: دلیل آنکه المقیمین بواسطه عطفش به عبارات (راسخون)، بصورت (المقیمون) نیامده، خطا از جانب کاتب وحی بوده است. همچنین روایات دیگری به ناسازگاری ادبی کلمات (إِنْ هَذَا) در آیه «إِنْ هَذَا لَسَاحِرٌ رَانَ» (مائده/۶۹) بهمین شکل اشاره کرده‌اند. (رک: نولد که ۲۰۰۴، ج ۳، ص ۴۴۴) اضافه بر موارد فوق، ابو عبیده در فضایل القرآن و ابوداود در المصاحف روایاتی را از عثمان نقل کرده‌اند که در قرآن پاره‌ای از اغلاط وجود دارد که عرب اصلاح خواهد کرد. (زرقانی ۱۳۸۵، ۴۳۸) منتقدانی چون گلدتسیهر و بلاشر به این روایات استناد کرده و قائل به اختلاف ادبی در قرآن شده‌اند. (رک: گلدتسیهر ۱۴۰۳، ص ۶۸؛ بلاشر ۱۳۷۸، ص ۱۹۱) لکن به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این روایات، صحیح نیست، زیرا صحابه که مقتدای مردم بوده و قرآن را از پیامبر (ص) اخذ کرده بودند، هرگز حاضر نمی‌شدند، مطالب غلط به مردم یاد دهند. ضمن اینکه بسیاری از علما اسلام این روایات را از نظر سند و متن تقطیع و غیر قابل قبول دانسته‌اند. (رک: دینوری ۱۳۹۰، ص ۱۴۶؛ سیوطی ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۶۳۳؛ رازی ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۶۴؛ زرقانی ۱۳۸۵، ص ۴۳۸، طباطبایی ۱۴۱۷، ج ۵ ص ۲۲)

روایات متعدد دیگری در خصوص شبهات اختلاف قرائت و ادعای اشتباهات ادبی در دوره صحابه وجود دارد که آغاز مناقشه ناسازگاری ادبی را در این دوره آشکار می‌سازد.

ج) عصر معصومان و ادعای شبهه ادبی

دوران ائمه (ع) بخش ابتدایی آن با دوره صحابه مشترک است لکن چون این دوره بیش از دویست سال طول کشیده و بسیار طولانی تر از دوران صحابه است و از طرفی نیز حاوی نکات ظریفی از برخورد ائمه با شبهه افکنان است، ضرورت داشت مستقلا مورد بررسی قرار گیرد. در این دوره به مواردی بر می‌خوریم که تردیدی بجای نمی‌گذارد، شبهه ادبی کم و بیش رواج داشته است. زیرا واکنش ائمه (ع) نسبت به شبهه افکنان که در لابه‌لای روایات نقل شده، این ادعا را ثابت می‌کند. در دوره ائمه (ع) یکی از وجوه ناسازگاری ادبی پدیده اختلاف قرائت بود. گسترش مناقشه‌ی اختلاف قرائت به دلیل عواملی چون ضعف در رسم الخط عربی و گسترش فتوحات اسلامی و تازه مسلمان شده‌ها، منجر به واکنش شدید ائمه (ع) جهت جلوگیری از گسترش این شبهه گردید. در روایتی امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: قرآن واحد است و از جانب خدای واحد نازل شده است؛ اختلاف قرآن تنها از ناحیه روایان پدید آمده است. در روایت دیگری، فضیل بن یسار می‌گوید: به امام صادق (ع) گفتم، مردم گویند که قرآن بر اساس هفت حرف نازل شده است امام فرمود: دشمنان خدا دروغ گفته‌اند، قرآن واحد است و از جانب خدای واحد نازل شده است. (رک: کلینی ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۳۰) این تعبیر (دشمنان خدا) در روایت امام صادق (ع) احتمالا ناظر به همان دشمنی زنادقه جهت ترویج شبهه‌ی اختلاف در قرآن است. روایات گویای این است که امامان شیعه به این شبهه افکنی‌ها حساس بوده و در صدد پاسخگویی و مقابله با هرگونه شبهه پیرامون ادعای اختلاف و ناسازگاری در قرآن بوده‌اند.

از جمله اقدامات دیگر ائمه (ع) جهت جلوگیری از توسعه شبهه ادبی در قرآن مقابله با عوامل زمینه‌ساز چنین شبهه‌ای بوده است. در خصوص اختلاف اعراب کلمه (رسوله) در آیه‌ی «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» (توبه/۳) که برخی آن را به (جر) خوانده‌اند، از امام علی (ع) نقل شده که بعد از شنیدن این اختلاف به ابو‌الاسود دوتلی

اشاره فرمود: (انح یا أبا الأسود) و بدین شکل ضمن اقدام به تصحیح آن، دستور اعراب گذاری قرآن را صادر نموده است. (کاشفی ۱۳۷۹، ص ۱۸۹) در روایت فوق امام علی (ع) وقتی علت پیدایش شبهه اختلاف ادبی در قرآن را مشاهده می‌کند، تلاش میکند ریشه این اختلافات را از اساس بخشکاند زیرا ضعف در خط عربی را یکی از اساسی‌ترین عوامل ایجاد شبهه می‌داند.

نمونه‌ی دیگر از تلاش‌های ائمه جهت مقابله با ادعای اشکال ادبی قرآن پاسخ مصداقی به شبهات بوده است. در خصوص شبهه ادبی مطرح شده در آیه «تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ» (بقره/۱۹۶) مبنی بر اینکه معدود عشره جمع و مکسور باید باشد نه مفرد و منصوب، برخی بهمین دلیل کلمه‌ی (کامله) را به عنوان معدود (عشره) اشتباه ادبی تلقی کرده و معتقدند (کامله) حشو و بی‌فایده آمده است، امام صادق (ع) وجود معدود (کامله) را وصفی برای کمال حج تفسیر می‌کند. (رک: طوسی ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۱) از دیگر اقدامات ائمه (ع) تربیت شاگردانی جهت پاسخگویی به شبهات ادبی در قرآن بود. در این دوره از فردی به نام ابو علی محمد بن مستنیر بصری معروف به قطرب (متوفی ۲۰۶ ق) یاد شده که از شاگردان سیویه و از اصحاب امام صادق بوده و در ادبیات عرب مهارت زیادی داشت. وی اولین بار در زمینه پاسخ به اختلاف و تعارض در قرآن کتابی نگاشته است که قابل تامل است. زرکشی می‌گوید: در این باره از قطرب کتابی دیدم شیوا که به ترتیب سوره‌ها نگاشته و همان است که طبق گفته قفطی با نام (ردّ بر ملحدین در متشابهات قرآن) شهرت یافته است. (زرکشی ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۶) با توجه به مهارت ایشان در ادبیات عرب و استناد زرکشی به برخی پاسخ‌های ادبی قطرب در منابعی چون البرهان، مسلم است بخشی از این کتاب جهت پاسخ به شبهات ادبی قرآن در آن دوره اختصاص پیدا کرده است. به دلیل این تدبیر در پایان دوره ائمه (ع)، علمای زیادی تلاش کردند، در قالب کتب تفاسیر، اعجاز القرآن، یا مشکل القرآن ضمن جمع‌آوری موارد مورد ادعا در خصوص شبهات نحوی قرآن به آن شبهات پاسخ مناسب دهند.

د) دوره بعد از ائمه و شبهه ادبی (دوره تألیفات)

در این دوره به دلیل فتوحات اسلامی و کثرت تازه مسلمان شده‌ها از اقوام و ادیان دیگر سئوالات و ابهاماتی پیرامون متن قرآن شدت گرفت، از طرفی نیز اسلوب خاص قرآن و وجود آیات متشابه و مشکل که فراتر از درک و فهم برخی مخاطبان قرآن بود در کنار شبهه افکنی زنادقه، ابهاماتی را در میان مسلمانان خصوصاً غیر عرب زبان ایجاد کرده بود. از این رو رویکرد علمای اسلام در این دوره به دلیل عدم دسترسی به همه مخاطبان قرآن به سمت تألیف کتب، جهت پاسخگویی به این شبهات ادبی گرایش پیدا کرد.

برخی تألیفات در ابتدای این دوره، مواردی از لحن و اشکال ادبی در مصحف عثمانی را جمع کرده، بدون اینکه به نقد و رد آن موارد پردازند. نمونه‌ای از روایات نقل شده در این کتابها به شرح ذیل است: ابو عبیده در فضائل القرآن به نقل از عثمان بعد از دیدن خطا در قرآن آورده است: (لو كان المملی من هذیل و الکاتب من ثقیف لم یوجد فیه هذا). این روایات هم از نظر سندی و هم از نظر متنی ضعیف بوده و توسط قریب به اتفاق علمای شیعه و سنی رد شده‌اند. (رک: ابو عمرو دانی بی‌تا، ص ۱۲۴-۱۲۲؛ زرقانی ۱۳۸۵، ص ۴۳۸؛ معرفت ۱۳۸۵، ص ۳۵۲) به اعتقاد اندیشمندان اسلامی وجود این روایات در منابع دسته اول اسلامی زمینه ادعای شبهه اختلاف ادبی در قرآن توسط برخی مستشرقان و معاصران مسلمان را فراهم آورده است. (بامبا ۱۴۳۶، ص ۴۱) علاوه بر تألیفات فوق سایر اندیشمندان اسلامی ضمن جمع‌آوری شبهات ادبی مطرح شده در لابه‌لای تألیفات خود به نقد این موارد پرداخته و این شبهات را با دلایل رد کرده‌اند.

در این دوره مفسرانی همانند فراء (متوفی ۲۰۷ق) از جمله اندیشمندانی بوده که در کتابش معانی قرآن بصورت تخصصی به شبهات ادبی پاسخ داده است وی در خصوص مذكر آمدن کلمه (قریب) در آیه «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف/۵۶) می‌نویسد: قریب در اینجا در معنای مسافت است و قریب در این معنا هم می‌تواند مذكر بیاید هم مونث. (فراء ۱۹۸۰، ج ۱، ص ۳۸۱) ابو عبیده معمر بن مثنی (متوفی ۲۰۹ق) در مجاز القرآن نیز به بحث‌های ادبی پرداخته و در لابه‌لای مباحث خود اشکالات ادبی مورد ادعا را پاسخ داده است. بعنوان نمونه وی در پاسخ به شبهه نحوی تکرار فاعل در آیه «وَأَسْرُوا

النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» (انبیاء/۳) می‌گوید: (واو) در اسروا فاعل نیست و (الذین) تنها فاعل جمله است این قاعده در متون عرب رایج است که فاعل بعد از مفعول بیاید. (ابوعبیده ۱۳۸۱، ج ۲ ص ۳۴) سیر تالیفات که نشان از تطور مناقشه ادبی در این دوران می‌دهد ادامه داشته است. در اواخر سده سوم هجری قمری ابن قتیبه دینوری (متوفی ۲۷۶) با تألیف کتاب (تأویل مشکل القرآن) به تبیین واژه‌های مشکل و متشابه پرداخته و همچنین در باره انواع قرائت‌ها و آنچه به عنوان لحن علیه قرآن ادعا شده بحث کرده است. (دینوری ۱۳۹۰، ص ۸۶) در اواخر قرن چهارم سید رضی کتاب (حقائق التأویل فی متشابه التزیل) را نوشت، در این کتاب نویسنده آیاتی را تفسیر نموده است که در نظر ابتدایی با قواعد ادبی یا حکم شرعی یا یکی از اعتقادات اسلامی و یا یکی از مقتضیات عقلی تعارض دارد. در همین دوره کتاب (تنزیه القرآن عن المطاعن) قاضی عبدالجبار به تفصیل در خصوص شبهات تناقض سخن گفته و هرگونه شبهه لفظی و ادبی را طرح و پاسخ داده است. (رک: معرفت ۱۳۸۵، ص ۳۰۰)

در قرن ششم کتاب (متشابه القرآن و مختلف) اثر ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفی ۵۸۸ ق) از چند منظر من جمله بررسی شبهات ادبی آیات قرآن را مورد مذاقه و بررسی قرار داده است. (رک: حیدی ۱۳۹۲، دوره ۶، شماره ۱۴) از جمله تالیفات مهم در سده هشتم هجری البرهان فی علوم قرآن بدرالدین زرکشی است که در کتابش فصلی بنام معرفه موهوم المختلف گشوده و آیات موهوم اختلاف را بررسی کرده است. (زرکشی ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۵؛ ج ۳، ۹۵)

در قرن نهم جلال‌الدین سیوطی همانند زرکشی در الاتقان، فصلی را بنام (فی مشکله و موهوم الاختلاف و التناقض) جهت پاسخگویی به شبهات تناقض باز کرده، البته در لابه‌لای فصول دیگر به برخی شبهات ادبی قرآن پاسخ داده است. (سیوطی ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۳۲) همو کتابی تحت عنوان البیان فی غریب الاعراب القرآن دارد که به بحث‌های ادبی پیرامون آیات قرآن پرداخته است. در قرن یازدهم مجلسی در بحار الانوار جلد (۸۹ و ۹۰) روایاتی از شبهات مدعیان تعارض و اختلاف در آیات قرآن ذکر کرده و پاسخ ائمه (ع) و صحابه پیامبر را نیز به این شبهات جمع‌آوری نموده است. (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۱۴۱؛ ج ۹۰،

ص ۱۴۲-۹۸) عنوان متشابه، مشکل و غریب و کلماتی همسو با این عناوین در اسم گذاری بیشتر این تالیفات نشان از آن دارد که ابهامات ایجاد شده نسبت به آیات متشابه و واژه های غریب و مشکل قرآن توسط بسیاری از تازه مسلمان شده ها زمینه گسترش مناقشات ادبی در این دوره را فراهم کرده است. ضمن اینکه چنین عوامل زمینه سازی، دستاویزی برای منتقدان قرآن فراهم ساخته تا به این کتاب آسمانی اشکال ادبی وارد نمایند.

ه) دوره متأخران و شبهه ادبی

همانطوریکه در دوره های اولیه اسلامی نقش زنادقه در مناقشات ادبی اختلاف و تناقض در قرآن پر رنگ بود، در سیصد سال اخیر این نقش به مستشرقان و برخی روشنفکران مسلمان منتقل شد. اگرچه نمی توان همه ی این افراد را در یک سطح و یکنواخت قضاوت کرد، اما تعدادی از این مستشرقان با نگاه خصمانه و از زاویه تعصبات مذهبی به قرآن نگاه کرده اند. یکی از مستشرقان ناشر قرآن آبراهام هنکلمان است، وی دلیل کارش را نشان دادن ضعفهای قرآن بر می شمرد. یا پطرس عالیقدر که اولین ترجمه قرآن را به لاتین انجام داده، راز ترجمه اش را کشف نقاط ضعف قرآن توسط مسیحیان معرفی میکند تا جذبه های قرآن عقیده آنان را تغییر ندهد. (رک: زمانی ۱۳۹۸، ص ۴۳) این گروه از مستشرقان که معمولاً در استخدام اهداف تبشیری مسیحیت یا دارای اغراض سیاسی هستند در سده های اخیر ضمن مطالعات قرآنی خود به آیاتی اشاره کرده اند که به زعم آنان دارای خطای نحوی و ادبی هستند. بلاشر در کتاب خود به آیاتی اشاره می کند که در آنها ادعای اختلاف ادبی دارد به طور مثال: کاربرد (ما) موصول بجای (من) موصول در آیات «وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَّاها...» (شمس/۷-۵) را یک اشکال ادبی قلمداد نموده است؛ و آیات قرآن را بدینوسیله مورد خدشه قرار داده است. (بلاشر ۱۳۷۸، ص ۱۹۱) این در حالی است که اندیشمندان اسلامی در این باره نظر دیگری داشته و در جای خود به آن پاسخ داده اند. (طوسی بی تا، ج ۱۰، ص ۳۵۸) نولدکه می نویسد: در آیه «لَكِنَّ الرَّاٰسِخُوْنَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُوْنَ... وَالْمُقِيمِيْنَ الصَّلَاةَ» (نساء/۱۶۲) چون (مقیمین) عطف بر (مومنون) شده است پس باید مثل (مومنون) اعرابش مرفوع باشد نه منصوب و اینکه منصوب آمده نوعی اشکال ادبی در قرآن محسوب می شود. (نولدکه ۲۰۰۴، ج ۳،

ص ۴۴۴) قرآن پژوهان این اختلاف اعراب را اشکال نحوی نمی‌دانند بلکه اعراب (مقیمین) را منصوب علی المدح دانسته‌اند. (رک: زمخشری ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۹۰) هاشم‌العربی مترجم مقاله فی الاسلام درملحقات کتابش به برخی از آیات موهم شبهه ادبی اشاره می‌کند. (عربی ۱۹۱۴، ص ۴۵۱) افرادی چون لوگزبرگ و سها نیز از دیگر منتقدانی هستند که به جمع‌آوری شبهات مربوط به اشکالات ادبی قرآن پرداخته و به قرآن در این زمینه اشکال وارد کرده‌اند. (کریمی نیاز ۱۳۸۲، شماره ۲، ص ۱۴۳؛ سها ۱۳۹۳، ۸۳۶)

علاوه بر ادعای خطای نحوی در قرآن گروهی از مستشرقان تلاش کرده‌اند که وجود قرائات متعدد را نشانه اضطراب و پریشانی متن قرآن جلوه دهند. (رک: گلدتسیهر ۱۳۸۳، ص ۳۰-۲۹؛ بلاشر ۱۳۷۸، ص ۸۷، دره حداد، ص ۳۰۷، نولدکه ۲۰۰۴، ص ۵۷۴) گلدتسیهر جهت اثبات پریشانی و اضطراب قرآن به نمونه‌هایی از اختلاف قرائت اشاره کرده و می‌نویسد: آیه «فاقتلوا انفسکم» (بقره/۵۴) را به «فاقیلوا انفسکم» تغییر داده‌اند تا معنی آن را درست کنند. (رک: گلدتسیهر ۱۳۸۳، ص ۳۳) در پاسخ به این شبهه اتفاق نظر مسلمانان بر این است که ثبوت قرآن منحصر در تواتر است در نتیجه اختلاف قرائت را نمی‌توان اختلاف در نص قرآن به حساب آورد و لذا اختلاف قرائت از محل بحث اختلاف در قرآن خارج است. (خویی ۱۳۹۵، ص ۱۲۳؛ قرطبی ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۲۹۰؛ زحیلی ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۷۴) خلاصه اینکه برخی از مستشرقان با داشتن ذهنیت و پیش‌فرضهایی از پیش تعیین شده اقدام به پژوهش در قرآن کرده، تا آن را تا سطح یک کلام بشری تنزل دهند. این گروه به دلیل همین نگاه چون تلاشی عمیق برای تسلط بر ادبیات عرب و آگاهی بر بلاغت و اسلوب خاص قرآن نداشته‌اند، علاوه بر شبهه افکنی‌های مختلف علیه قرآن مدعی تعارض و اختلاف ادبی در قرآن نیز شده‌اند و دست روی آیت‌هایی از قرآن گذشته که به زعم آنان با قواعد ادبی و بلاغی عربی مخالفت دارند. این ادعا تا عصر حاضر ادامه دارد و منتقدانی چون، یوسف دره حداد در نظم القرآن و الکتاب، آرتور جفری در کتاب واژه‌های دخیل در قرآن، جرج سال در مقاله فی الاسلام، سها در کتاب نقد قرآن به جمع‌آوری شبهاتی مرتبط با ادعای ناسازگاری ادبی در قرآن پرداخته و در این زمینه به این کتاب الهی اشکال وارد کرده‌اند.

نتیجه گیری

نتایج بررسی و تجزیه و تحلیل داده در این پژوهش به شرح زیر می باشد:

۱. حضور پیامبر(ص) و تدبیر در شیوه نگارش قرآن راه هرگونه شبهه افکنی علیه قرآن را مسدود کرده بود. ضمن اینکه قواعد ادبی در آن زمان تدوین نشده بود، تا آیات با آن مطابقت داده شود و مخالفت با این قواعد بروز یابد. اما بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) افزایش تازه مسلمان شده ها، پدیده اختلاف قرائت، وجود زنادقه و ابهامات ایجاد شده پیرامون برخی آیات متشابه و مشکله و...به مناقشه ادبی پیرامون آیات قرآن بتدریج دامن زد.

۲. شبهات ادبی پیرامون قرآن، ابتدا بصورت سؤال مطرح می شد و پاسخ آن شبهات هم حضوری توسط ائمه (ع) و صحابه داده می شد. اما بعدها بدلیل فتوحات اسلامی، شکاف زبانی و افزایش شبهات، علمای اسلام در لابه لای تالیفاتی با موضوع متشابه القرآن، مشکل القرآن و غریب القرآن به این شبهات پاسخ می دادند. لکن شبهات ادبی علیه قرآن در عصر حاضر در قالب منسجمتری با انگیزه های مختلف توسط مستشرقان و برخی مسلمانان روشنفکر مطرح می شود.

۳. در بررسی سیر تاریخی و تطور شبهه ناسازگاری ادبی روشن شد که اسباب و عواملی چون؛ وجود آیات مشکله و متشابه، اختلاف قرائت، ضعف در خط عربی، روایات مبتنی بر لحن در مصحف عثمانی و اسلوب خاص قرآن زمینه ساز این شبهه ادبی بوده و باعث شده گروهی از روی عدم آگاهی دچار ابهام شوند و گروهی نیز همانند زنادقه و برخی مستشرقان از روی عناد این عوامل را دستاویز ادعای ناسازگاری ادبی در قرآن قرار دهند.

فهرست منابع

۱. ابو عبیده، معمر بن مثنی (۱۳۸۱)، مجاز القرآن، ۲ جلد، مکتبه الخانجی، قاهره، چاپ ۱.
۲. ابو عمرو دانی، عثمان بن سعید (بی تا)، المقنع فی رسم مصاحف الأمصار مع کتاب النقط، قاهره، کلیات الازهریه.
۳. امین، احمد (۱۹۹۳م)، فجر الاسلام، مصر، الاعتماد، چاپ ۲.
۴. المطعنی، عبدالعظیم محمد ابراهیم (۱۴۱۳ق)، افتراءات المستشرقین علی الاسلام، قاهره، مکتبه وهب، چاپ ۱.
۵. باغبانی، رضوانی و دیگران (۱۳۹۱)، اعجاز ادبی و سیر تطور آن، لسان مبین، سال سوم، دوره جدید شماره ۷.
۶. بامبا، آدم (۱۴۳۶ق)، المستشرقون و دعوی الاخطاء اللغویه فی القران الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ ۱.
۷. بلاشر، رژیس (۱۳۷۸)، در آستان قرآن، ترجمه محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، انوار تنزیل و اسرار تاویل، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۹. خوبی، سید ابو القاسم (۱۳۸۵)، مرزهای اعجاز، ترجمه جعفر سبحانی، قم، موسسه امام صادق، چاپ اول.
۱۰. خوبی، سید ابو القاسم (۱۳۹۵)، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالزهراء.
۱۱. دره حداد، یوسف (۱۹۹۳م)، نظم القرآن و الكتاب، بیروت، المکتبه البولسیه.
۱۲. دینوری ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۳۹۰)، تاویل مشکل القرآن، مترجم محمد حسن بحری، انتشارات آستان قدس، چاپ دوم.
۱۳. رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ ۳.
۱۴. رامیار، محمود (۱۳۶۹)، تاریخ قرآن، تهران، امیر کبیر، چاپ ۳.
۱۵. زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعہ، ۳۲ جلد، دمشق، دار الفکر، چاپ ۲.

۱۶. زرکانی، محمد عبدالعظیم (۱۳۸۵)، ترجمه مناهل العرفان، مترجم محسن آرمین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ ۱.
۱۷. زرکشی، محمد بن عبد الله (۱۴۱۰)، البرهان فی علوم القرآن، ۴ جلد، بیروت، دار المعرفه، چاپ ۱.
۱۸. زمانی، محمد حسن (۱۳۹۸)، مستشرقان و قرآن، قم، نشر بوستان کتاب، چاپ ۲.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۴ جلد، بیروت، دار الکتاب العربی، چاپ ۳.
۲۰. سها (۱۳۹۳)، نقد قرآن، ویرایش دوم، www.azadieiran2.wordpress.com.
۲۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۳۸۲)، الاتقان فی علوم قرآن، مترجم سید مهدی حایری، امیر کبیر، چاپ ۴.
۲۲. شراره، عبدالجبار (۱۴۱۶ق)، بحوث فی القرآن الکریم، قم، جامعه ی مدرسین، چاپ ۱.
۲۳. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۲)، ملل و نحل، ترجمه مصطفی خالقداد هاشمی، تهران، نشر اقبال، چاپ ۳.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ۲۷ جلد، تهران، فراهانی، چاپ ۳.
۲۶. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۱)، الإحتجاج، ترجمه جعفری، تهران، چاپ: اول.
۲۷. طنطاوی، محمد (۱۱۱۹)، نشأة النحو وتاریخ اشهر النحاء، چاپ دوم قاهره دارالمعارف.
۲۸. طوسی، محمد حسین (۱۴۰۷ق)، التهذیب الاحکام، تهران، درالکتب الاسلامیه، چاپ ۴.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
۳۰. عربی، هاشم (۱۹۱۴م)، تذیل مقاله فی الاسلام، انکلیزیه امریکانیه ببولاق، چاپ ۳.
۳۱. فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد (۱۹۸۰)، معانی القرآن، چاپ اول، دار المصریه للتالیف و الترجمه، مصر.
۳۲. قاضی، عبد الفتاح عبد الغنی (۱۴۲۶ق)، القراءات فی نظر المستشرقین والملحدین، ۱ جلد، قاهره، دارالسلام، چاپ ۱.

۳۳. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، ۲۰ جلد، تهران، ناصر خسرو، چاپ ۱.
۳۴. کاشفی، حسین بن علی (۱۳۷۹)، جواهر التفسیر، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، چاپ ۱.
۳۵. کریمی نیا، مرتضی (۱۳۸۲)، نقدی بر کتاب قرائت آرامی سریانی قرآن، مجله ترجمان وحی، سال هفتم، شماره ۲.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ ۴.
۳۷. گلدتسیهر، ایگناس (۱۴۰۳ق)، العقیده و الشریعہ فی الاسلام، ترجمه محمد یوسف موسی، دار الرائد العربی، بیروت.
۳۸. گلدتسیهر، ایگناس (۱۳۸۳)، مذاهب التفسیر الاسلامی، با ترجمه ناصر طباطبایی، تهران، چاپ ققنوس.
۳۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، ۱۱۰ جلد، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۰. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱)، علوم قرآنی، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم، چاپ چهارم.
۴۱. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۵)، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، ترجمه حسن حکیم باشی، قم، موسسه تمهید، چاپ ۱.
۴۲. معرفت، محمد هادی (۱۴۲۹ق)، التمهید فی علوم القرآن، ۱۰ جلد، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، چاپ ۲.
۴۳. موسی، محمد یوسف (۱۴۳۳ق)، القران والفلسفه، دار الکتب، بیروت.
۴۴. نولدکه، تئودور (۲۰۰۴م)، تاریخ القرآن، سه جلد، بیروت، دارالنشر، چاپ ۱.
۴۵. همدانی، قاضی عبدالجبار بن احمد (۱۹۶۲م)، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، قاهره، مطبعه دارالکتب المصریه.